



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# شناخت حق امام حسین عليه السلام

محمد فلسفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شناخت حق امام حسین علیه السلام

نویسنده:

محمد تقی فلسفی

ناشر چاپی:

محمد تقی فلسفی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

|    |                                                       |
|----|-------------------------------------------------------|
| ۵  | فهرست                                                 |
| ۶  | شناخت حق امام حسین علیه السلام                        |
| ۶  | مشخصات کتاب                                           |
| ۶  | مقدمه                                                 |
| ۶  | امام و اهتمام به عاشورا                               |
| ۶  | شناخت حق امام                                         |
| ۶  | انگیزه قیام امام حسین علیه السلام                     |
| ۷  | صلح امام حسن علیه السلام و قیام امام حسین علیه السلام |
| ۷  | نتیجه پیروی از امام                                   |
| ۸  | نتیجه اعراض از امام                                   |
| ۹  | پشیمانی پس از پیروزی                                  |
| ۹  | ذلت ستیزی امام و ذلت پذیری دشمنان امام                |
| ۱۰ | کربلا رمز انقلاب                                      |
| ۱۰ | پاورقی                                                |
| ۱۱ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان           |

## شناخت حق امام حسین علیه السلام

### مشخصات کتاب

نویسنده: محمد تقی فلسفی

ناشر: محمد تقی فلسفی

### مقدمه

این مقاله متن سخنرانی خطیب توانمند معاصر، مرحوم حجه الاسلام و المسلمین فلسفی است که با هدف استفاده از سبک آن واعظ شهر از نوار پیاده و با حداقل تصرفات نگاشته شده است. الحمد لله و الصلوة علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین.

### امام و اهتمام به عاشورا

قال الله العظیم فی کتابه «الله العزّه و لرسوله و للمؤمنین» [۱]. یکی از افتخارات بزرگ ملت ایران این است که دارای عواطف روحانی و معنوی نسبت به اهل بیت رسول اکرمند و قرن‌ها است که عزاداری عاشورا را احترام کرده‌اند. پدران و مادران و اجداد و گذشتگان شما، همگی یک چنین روزی را بسیار احترام می‌کردند. پس از انقلاب اسلامی، بر این احترام افزوده شد؛ برای اینکه رهبر کبیر انقلاب، امام راحل سفارش کردند که مردم به عزاداری بیشتر اهمیت بدهند. نفوذ کلام رهبر کبیر انقلاب اثرش این بود که تمام مملکت بیش از گذشته تکان خورد و مردم در مقام عزاداری، حد اعلای تکریم و احترام را نسبت به امام حسین علیه السلام ابراز نمودند.

### شناخت حق امام

در قضایای امامت مطلبی وجود دارد که نکته ای معرفتی است. شما شنیده‌اید که در همه‌جا در روایات، وقتی در باب زیارت - مثلا - صحبت می‌شود می‌گویند «عارفا بحقه» [۲] این عارفا بحقه یک معنای وسیعی دارد که من دو سه جمله از آن را می‌گویم: - عارفا بحقه یعنی آدمی بداند که امام معصوم علیه السلام به وسیله پیامبر، برگزیده خداست. - عارفا بحقه یعنی تمام مسائل اسلام که وحی الهی است در نزد امام علیه السلام است. ولی امام حسین علیه السلام علاوه بر همه اینها چون قضیه کربلا و حادثه عاشورایش بسیار مهم است، این عارفا بحقه باید در قضیه عاشورا شناخته شود. اغلب شما مردم مسلمان بیش و کم در منابر و مجالس و مطالعاتتان به سر قیام حسین بن علی علیهما السلام واقفید و عارف.

### انگیزه قیام امام حسین علیه السلام

امروز به مناسبت عاشورا و به مناسبت شرایط سیاسی و برای اینکه معرفت بیشتری برای حضار محترم پیدا بشود باید این نکته را عرض کنم که شما، شناخت بیشتری به حق امام حسین علیه السلام در قضیه عاشورا پیدا کنید و این را به صورت سؤال عرض می‌کنم از طرف همه شما. چرا امام حسین علیه السلام کربلا آمد؟ انگیزه امام حسین علیه السلام چه بود؟ و هدفی که ابی‌عبدالله علیه السلام داشت بر چه اساس بود؟ این سؤال اگر درست پاسخ داده شود، مطلب برای همه از نظر معرفت امام روشن می‌شود. مساله

این بود که ابی‌عبدالله علیه السلام یک قسمت ایام امامتش در زمان معاویه بود و یک قسمت ایام امامتش در زمان یزید. معاویه به عالم اسلام خیلی صدمه زد و دوستان بزرگوار علی علیه السلام را بسیار کشت، اما مانند پسرش سخنان جنون‌آمیز نمی‌گفت. یزید علنا در مجلس عمومی کفر خود را ظاهر کرد، [در حال مستی] گفت: «لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء ولا وحی نزل». [۳]. گفت: بنی‌هاشم با مملکت بازی کردند و به نام وحی و قرآن و به نام دین مردم را سرگرم کردند، [در حالی که] نه وحیی نازل شده، و نه دینی هست و نه قرآنی هست و نه خدایی و نه ایمانی.

### صلح امام حسن علیه السلام و قیام امام حسین علیه السلام

این طرز تفکر یزید بود. این تفکر را امام حسین علیه السلام نمی‌تواند تحمل کند و اصلاً قابل تحمل نیست و لذا من دیده‌ام گاهی بعضی از افراد، خیلی که بخواهند مؤدب صحبت کنند، می‌گویند: چرا امام حسن علیه السلام در انقلاب کوتاه آمد و قیام نکرد و امام حسین علیه السلام قیام کرد؟ اولاً امام حسن علیه السلام قیام کرد، ولی افراد و سربازانش آن قدر بی‌وفایی کردند که یک [روز عده‌ای] نامه نوشتند به معاویه که اگر به ما دستور بدهی امام حسن علیه السلام را کتف بسته به شما تسلیم می‌کنیم (!) لذا امام حسن ناچار شد قراردادی با معاویه ببندد. آن وقت یک سؤال: چرا امام حسین علیه السلام با یزید قرارداد نبست؟ نمی‌شد با یزید قرارداد ببندد؟ برای اینکه بدانید امام حسن و امام حسین علیه السلام یک جور فکر می‌کردند، امام حسین علیه السلام در حدود ۱۰ سال پس از مرگ امام حسن علیه السلام امام بود و با این حال معاویه لشکرکشی نکرد. معلوم می‌شود که مصلحت همان بوده که امام مجتبی علیه السلام عمل کرده است. وقتی معاویه مرد و یزید روی کار آمد به امام حسین علیه السلام گفتند: بیعت کنید، گفت: هرگز! تمام تکیه گاه سخن این است. یکی از جمله‌هایی را که باید دقت بفرمایید در این سخنرانی، این جمله است که به محمد حنفیه فرمود: «یا اخی والله لو لم یکن فی الدنیا ملجا و لا ماوی لما بایعت یزید بن معاویه» [۴] گفت برادر! بخدا اگر در تمام کره زمین یک متر جا که رویش بنشینم نداشته باشم من هرگز با یزید بیعت نمی‌کنم. این سر قضیه است. چرا؟ چون یزید سمبل کوبیدن اسلام بود و می‌خواست دین خدا را نابود کند. حالا امام حسین علیه السلام قیام کرد اول سخنرانی امام حسین علیه السلام که هنوز به کربلا نرسیده، در مقابل لشکریان حر بود. مقابل لشکر حر یعنی همان لشکر عبیدالله ایستاد و بنا کرد صحبت کردن. فرمود: «الا ان هؤلاء قد لزموا طاعة الشیطان و ترکوا طاعة الرحمن و اظهروا الفساد و عطلوا الحدود و استاثروا بالفیء و اهلوا حرام الله و حرموا حلاله و انا احق ممن غیر» [۵] گفت: مردم! سربازان عبیدالله! بفهمید. که یزید و اعوانش کمر بسته‌اند به اطاعت شیطان؛ طاعت خدا؛ را ترک کرده‌اند. فساد آورده‌اند. حدود خدا را معطل گزاریده‌اند. بیت المال را به هوی و هوس قسمت کردند. حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کرده‌اند و من در مملکت اسلام از همه شایسته‌ترم که بر ضد یزید خائن قیام کنم و ریشه فساد را از بیخ و بن برکنم.

### نتیجه پیروی از امام

آن وقت، یک جمله خیلی عمیق است و آن جمله این است که می‌فرماید: «و قد اتنی کتبکم و قدمت علی رسلکم بیعتکم... فان اتمتم علی بیعتکم تصیبوا رشدکم». [۶] گفت نامه‌ها به من نوشتید و مرا وعده گرفتید. آمدم، اگر با وفا باشید به سعادت خواهید رسید. آن وقت سعادت [چیست]؟ سعادت همان است که الان شما در انقلاب اسلامی دارید (و انشاءالله بیش از این به آن ست خواهید یافت). آن جمله این است که به سعادت می‌رسید. حضرت می‌فرماید: «فانا الحسین بن علی ابن فاطمة بنت رسول الله نفسی مع انفسکم و اهلی مع اهلیکم». [۷] تمام همین است، می‌گوید: من پسر فاطمه‌ام. پسر پیغمبر، اگر کمک کنید حکومت به دستم بیاید من حاکم مردمی هستم مثل حکومت پیغمبر. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صبح، ظهر و عصر، مغرب و عشاء می‌آمد داخل

مسجد و میان مردم نماز می‌خواند، رئیس مملکت هم بود امیرالمؤمنین علیه‌السلام رئیس مملکت بود زانو به زانو با فقرا، ضعفاء و مستضعفین می‌نشست. علی دربار نداشت، وزیر دربار نداشت. خانم امیرالمؤمنین را ملکه نمی‌گفتند. دختر علی زینب را شاهدخت نمی‌گفتند. علی در بین مردم، به گفته یک سرباز: «علی فینا کاحد منا» علی مثل یکی از ما بود، برادروار می‌آمد و زانو به زانو می‌نشست، امام حسین علیه‌السلام می‌گوید: اگر کمک کردید «نفسی مع انفسکم» من با شما هستم و اهل بیت من با اهل بیت شما، زن و بچه من هم مثل زن و بچه شما. این حکومت اسلامی است؛ زینب با زنها در مسجد، امام حسین علیه‌السلام با مردها در مسجد و در جامعه؛ ملاقات این قدر آسان است؛ بعد به مردم یعنی به همان لشکر حر گفت اگر موافقت کردید به سعادت می‌رسید اما اگر موافقت نکردید؛ «و ان لم تفعلوا و نقضتم عهدکم و خلفتم بیعتی من اعناقکم فلعمری ما هی منکم بنکر». گفت اگر بیعت را شکستید و از من تخلف کردید و این کار هم از شما [مردم کوفه] بعید نیست، چرا؟ برای اینکه گفت: «فلعمری ما هی منکم بنکر لقد فعلتموها بایی و اخی و ابن عمی مسلم» [۸] شما عهد علی را شکستید. عهد برادرم حسن را شکستید. عهد مسلم را هم شکستید. عجیب نیست اگر عهد من را هم بشکنید. اما اگر شکستید من باز دنبال هدف خود می‌روم یزید نباید بر مسلمین حکومت کند ولو به قیمت قطعه قطعه شدن من و یارانم و شیرخوارهام باشد! این هدف حسین علیه‌السلام است.

### نتیجه اعراض از امام

حال، اگر آن مردم امام حسین علیه‌السلام را یاری نکردند. چه شد؟ امام حسین علیه‌السلام کشته شد، مصائب دید. بلایا دید. زن و بچه هم مصائب بسیار دیدند، اینها به قدری قوی و توانا بودند که با تمام این مصائب تکان نخوردند یکی از مواقع و مواردی که امام حسین علیه‌السلام آتیه مردم را گفت فرمود: «والله لا یدعونی حتی یستخرجوا هذه العلقه من جوفی». گفت ای بی وفاها، ای بی صفاها من می‌دانم که از من دست بر نمی‌دارید تا لخته خون قلب مرا بیرون بکشید، یعنی مرا بکشید، من می‌دانم شما این کار را می‌کنید: اما «فاذا فعلوا سلط الله علیهم منیدلهم حتی یكونوا اذل فرق الامم». [۹] گفت مرا می‌کشید ولی کشتن من برای شما ارزان تمام نخواهد شد. به هوش باشید که حکومت ظالمی خواهد آمد پدری از شما در آورد و دماری از روزگار شما بر آورد که بیچاره شوید! همین طور هم شد. آنان که حسین علیه‌السلام را یاری نکردند خودشان را کوبیدند. «حجاج بن یوسف» استاندار عبدالملک مروان ده هزار زندانی دارد. زندانش عمارت دارد؟ نه. سقف دارد؟ نه. یک زمین بیاض. مثلاً ۲۰ هزار ۲۵ هزار متری را برداشته دیوار کشیده که یک در دارد جلو زندان هم اتاق نگهبان است. به این ده هزار زندانی خبر رسید که حجاج بن یوسف می‌خواهد از آنجا عبور کند. این زندانیان گفتند. آقا ما که اینجا پوسیدیم. آفتاب داغ، شب‌های سرد، اینکه زندگی نیست، یک فریادی کنیم اینها (این نتیجه قتل حسین علیه‌السلام است) آمدند پشت در و به زندانبان گفتند می‌خواهیم فریاد کنیم. گفت: نخیر، ولی اینها اعتنا نکردند. حجاج رسید ده هزار جمعیت پیاپی فریاد زدند. حجاج عنان کشید: چه خبر است؟ گفتند: ده هزار زندانی زیر آفتاب دارند التماس می‌کنند. حجاج جلوی در زندان رفت و گفت: در را باز کنید. در را باز کردند خوب توجه کنید، اگر انقلاب بشکند، خدای ناخواسته امریکا گروهی را بر شما مسلط می‌کند که شاید از حجاج بن یوسف هم بدتر باشد، این را بهوش باشید! حجاج گفت در را باز کنید. در را باز کردند. می‌دانید چه گفت؟ یک آیه‌ای است در قرآن که وقتی جهنمی‌ها آه و ناله می‌کنند فرشتگان می‌گویند: «اخشئوا فیها و لاتکلمون». اخسا یعنی چخ. ما به سگ می‌گوییم چخ (دور شو) آقا در را که باز کردند حجاج همین طور که سوار بود و این زندانیان دست‌ها را تکان می‌دادند گفت: «اخشئوا فیها و لاتکلمون» چخ، ساکت شوید و حرف نزنید. چرا؟ اگر آن روز ندای حسین علیه‌السلام را گوش کرده بودند به اینجا نمی‌رسیدند وقتی گفت «هل من ذاب یذب عن حرم رسول الله» و اینها گوش نکردند بازی در آوردند، حالا جوابش چخ است جوابش خفه شوید توی زندان بمانید است.



## پشیمانی پس از پیروزی

آیا تا به حال در تاریخ خوانده‌اید که یک گروه سرباز بروند جنگ بکنند. ۱۰۰ هزار یا ۷۰ هزار نفر بروند جنگ بکنند و فاتح بشوند و برگردند، اما بعد از ۲۴ ساعت پشیمان شوند؟! آقا ممکن است یک جنگی واقع شود و ملت بعد از ۵۰ سال پشیمان شوند، بعد از ۳۰ سال بعد از ۲۰ سال بعد از ۱۰ سال. بعد از ۲۴ ساعت (در عصر عاشورا حسین علیه السلام کشته شد و پیش از ظهر روز دوازدهم اهل بیت آمدند کوفه) اگر بدانید کوفیان چقدر جیغ و فریاد زدند! اگر بدانید چقدر آه و ناله کردند! روایت می‌گوید و در مقاتل هم نوشته که امام سجاد علیه السلام خطبه خواند. گفت: اگر کسی مرا نمی‌شناسد، بداند که من پسر حسینم. حسین علیه السلام پسر فاطمه علیها السلام است. پسر علی علیه السلام است و پسر پیغمبر صلی الله علیه و آله است. آنوقت خطبه خواند بعد از اینکه خطبه‌اش تمام شد، «فارتفعت اصوات الناس بالبكاء» یک مرتبه مرد و زن کوفه فریاد، گریه، شیون، ای وای بر بدبختی ما ای وای بر تیره روزی ما چرا ما ندای حسین علیه السلام را اجابت نکردیم؟ در بدبختی به روی ما باز شد. خود عبارت می‌گوید: «یدعوا بعضهم بعضا هلکتهم و لاتعلمون» به هم نگاه می‌کردند می‌گفتند: بیچاره شدید و نمی‌دانید هلاک شدید و خبر ندارید. این مال کوفه. یکی دیگر به شما بگویم. «زید بن ارقم» یکی از محترمین بود. وقتی آمد در مجلس عیدالله و دید که عیدالله به سر مقدس ابی عبدالله با چوب جسارت می‌کند، گفت: عیدالله من دیدم که پیغمبر این لبها را می‌بوسید. چقدر بی ادبی! عیدالله گفت: اگر پیر نبودی و خرفت نشده بودی و دیوانه نبودی می‌گفتم تو را بکشند. زید بن ارقم محترم از جا حرکت کرد وقتی آمد داخل راهرو و سرسرای استانداری، عده‌ای از مامورین و افراد لشگری و کشوری ایستاده بودند. به اینها یک نگاهی کرد و گفت: «انتم یا معشر العرب العیید بعد الیوم» گفت: عرب‌ها! بعد از امروز دیگر برده‌اید، نوکرید، توسری خورید، ذلیلید، بیچاره‌اید. این را در سرسرای استانداری عیدالله می‌گفت که تازه سر را آورده بودند. بعد گفت که عبارتش هم خیلی جالب و جاذب است. «قتلت ابن فاطمه و امرتم ابن مرجانه» خاک بر سرتان ملت کوفه! پسر فاطمه را کشتید و پسر زن زانیه را آوردید، استاندار کردید. این کار بود که کردید؟ شما دیگر حق حیات دارید؟ و ادامه داد: «قتلت ابن فاطمه و امرتم ابن مرجانه! فهو یقتل اختیار کم و یستعبد شرار کم فرضیتم بالذل فبعدا لمن رضی بالذل» گفت می‌دانید چه کار کردید؟ این عیدالله بی دین را بر خودتان مسلط کردید. این خوبانتان را می‌کشد. هر چه آزادیخواه با شرف و شجاع و با ایمان است می‌کشد. چه کسانی را باقی می‌گذارد؟ می‌گوید: «هو یقتل اختیار کم و یستعبد شرار کم» نمی‌گوید «یستخدم شرار کم»، نمی‌گوید دولتی روی کار می‌آید که اشرار را استخدام می‌کند. نه، می‌گوید اشرار را برده می‌گیرد. یعنی یک مشت مستخدم دولت می‌شوند که در دستگاه عیدالله کور، کر، لال، نفهم، برده و بنده هر چه بگوید اطاعت کنند.

## ذلت ستیزی امام و ذلت پذیری دشمنان امام

«زید بن ارقم» می‌گوید: خیال می‌کنید کشتن حسین ارزان است؟! بیچاره شدید، ذلیل شدید. خوار شدید. گفت: «فرضیتم بالذل» برده یزید شدید. دیگر قدرت نفس کشیدن از شما سلب شد. آن وقت گفت: «فبعدا لمن رضی بالذل» خاک بر سر کسی که بخواهد با ذلت زندگی کند. دور باد از رحمت خدا کسی که بخواهد با ذلت زندگی کند! این روح قصه کربلاست امام حسین علیه السلام روز عاشورا گفت یا یزید باید بروی یا من باید کشته شوم. زندگی با ذلت ارزشی ندارد. گفت: «والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل ولا افر فرار العیید» گفت: به خدا قسم من هرگز نه تن به ذلت می‌دهم و نه فرار می‌کنم. این فرزند امیرالمؤمنین. علی بن ابیطالب هم می‌گفت: «المنیة ولا-الدنیة» منیت یعنی مرگ. مرگ [آری اما] ذلت نه، پستی نه، ذلت یعنی پستی «المنیة ولا الدنیة» حسین هم روز عاشورا گفت: «هیئات منا الذل».

## کربلا رمز انقلاب

امام راحل می‌فرمود روضه بخوانید. روضه امام حسین علیه السلام بخوانید. خیلی هم بخوانید، اما رمز انقلاب را هم بگوئید. رمز انقلاب در واقعه کربلاست؛ همان طور که گفتیم الان شما در مقابل امریکا، مثل حسین و یارانش هستید در مقابل یزید. امام حسین علیه السلام سوگند یاد کرد و به برادر خود فرمود: اگر جایی در زمین نداشته باشیم به قدر یک وجب، من بیعت نمی‌کنم. اما در پایان ذکر مصیبت بخوانم، دلتان متوجه باشد. اساس کربلا بر قضیه زنده کردن حق است. امام حسین به کربلا نرسیده بود، سوار اسب بود، پسرش علی اکبر هم سوار. آقا همین طور که می‌رفت یک چرت مختصر به قدر چند دقیقه امام حسین را گرفت. پسر نگاه می‌کرد چشم آقا بصورت خواب روی هم آمد. اما خیلی کوتاه دو دقیقه سه دقیقه. آقا چشمشان را باز کردند. اما علی اکبر آثار تاثیر دید گفت: آقا جان چه شد چرا حالتان تغییر کرد؟ گفت پسر، - جوان‌ها مکتب دین این است - گفت: پسر، خواب دیدم که یک سوار آمد گفت: این کاروان می‌رود و مرگ هم دنبال این کاروان است. یعنی چه؟ یعنی ما به سوی مرگ می‌رویم؟ خوب علی اکبر جوان باید بگوید آقا جان، اگر مرگ است پس نرویم. چرا برویم؟ می‌دانید چه گفت؟ گفت: «اولسنا علی الحق؟» باباجان مگر ما بر حق نیستیم و راه حق نمی‌رویم؟ گفت: چرا پسر جان، راه ما راه خداست. راه پیغمبر است. راه قرآن است. گفت: «فاذا لانبالی بالقتل» دیگر چه باک داریم از مرگ. خون شد دل من خوب شد این خون شدنی بود در عشق تو شد بهتر این خود شدنی بود علی اکبر آمد به آرزوی دل رسید. می‌دانید کی؟ آن وقتی که گفت: «ابتا علیک منی السلام» گفت: پدر خدا حافظ. آقا ابی‌عبدالله با عجله آمد کنار بدن جوان؛ مادرهایی که شهید داده‌اید و اینجا هستید. پدرانی که پسر جوان شهید داده‌اید و در اینجا هستید، آن پدر آمد نشست بالین علی اکبر «جلس علی التراب» آقا روی خاک نشست «و جعل یمسح الدم عن ثنایاه» یعنی ابی‌عبدالله بنا کرد خون از دندان‌های علی پاک کردن. خون را از دندان‌ها پاک کرد. چرا خون را از دندان‌ها پاک کرد. به نظر من این خون را که از دندان‌ها پاک کرد دید علی زنده است. این جوان شاید بخواهد وصیتی بکند. اما یک ضربتی بر سرش خورده که تمام دهان غرق خون است و خودش هم نمی‌تواند خون‌ها را دفع کند. آقا خواست خون‌ها را از جلوی زبان علی رد کند تا زبان علی آزاد شود و وصیت کند. اما داشت خون‌ها را رد می‌کرد «فشهق شهقه فمات» یک وقت علی یک ناله زد و جان به جان آفرین تسلیم کرد. آقا تمام کشته‌ها را خودش به خیمه می‌آورد. اما بدن علی را نیاورد. صدا زد جوانان بیاید بدن علی را به خیمه‌ها ببرید. می‌دانید چرا نیاورد برای اینکه بدن آن قدر قطعه قطعه و چاک چاک بود که یک نفر نمی‌توانست آن را از جای بردارد. باسَمک العظیم الاعظم.

## باورقی

- [۱] منافقون، آیه ۸
- [۲] بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۷، ح ۱.
- [۳] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۵، ذیل حدیث ۵.
- [۴] مقتل عوالم، ص ۵۴، خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸.
- [۵] طبری، ج ۷، ص ۳۰۰، کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۸۰، خوارزمی، ج ۱، ص ۲۴۳، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۷۱.
- [۶] همان.
- [۷] همان.
- [۸] طبری، ج ۷، ص ۳۰۰، کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۸۰، با اندکی تفاوت در نسخه‌ها.

[۹] ارشاد، مفید، ص ۲۲۳، ابن عساکر، ص ۲۱۱، با اندکی تفاوت در نسخه‌ها.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهانندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

